

مقاله پژوهشی
اصل
**Original
Article**

ارائه الگوی مشارکت جویی فرهنگی دانشجومعلمیان دانشگاه فرهنگیان

مهدی نامداری پژمان^۱

چکیده

هدف: برنامه‌های فرهنگی اهمیت زیادی در کسب شایستگی‌های دانشجومعلمیان و دستیابی به هویت معلمی دارند. این پژوهش با هدف ارائه الگوی مشارکت جویی فرهنگی دانشجومعلمیان در دانشگاه فرهنگیان انجام شد. **روش:** روش پژوهش از منظر گردآوری اطلاعات، آمیخته اکتشافی متوالی بود. در بخش کیفی، از نظریه برخاسته از داده‌ها استفاده شد و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته از بین دانشجومعلمیان برگزیده و متخصصان دانشگاهی و با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۸ نفر انتخاب شدند. روش تحلیل اطلاعات در بخش کیفی، تحلیل مضمون با روش دپوی و گیتلین بود. در بخش کمی، روش پژوهش توصیفی بود. برای اعتباربخشی، از نتایج بخش کیفی استفاده شد. جامعه آماری این بخش شامل اعضای هیئت علمی، مدیران و دانشجومعلمیان به تعداد ۸۰۲ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، پرسشنامه‌های بسته پاسخ را پاسخ دادند. شاخص روایی محتوایی برای بررسی روایی پرسشنامه استفاده شد. **یافته‌ها:** در بخش کیفی، الگوی تدوین شده شامل سه بخش پیش‌نیازها مشتمل بر سیاستی و اجرایی (وحدت سیاستی، کثرت‌گرایی برنامه‌ای مخاطب‌شناسی و استعدادشناسی، مسئولیت‌سپاری، نیازشناسی، اطلاع‌رسانی، اقناع‌سازی و حمایتگری)، اجرای بهینه (شبکه‌سازی و تیم‌سازی، شخصی‌سازی، کیفیت‌بخشی اجرا و ادغام برنامه‌ای) و تضمین کیفیت (پایش فرهنگی، سنجش دستاوردی) بود. با کاربرست روش تحلیل عاملی مرتبه دوم ضرایب استاندارد شده مؤلفه‌ها با مقادیر تی بالای ۲، نشان داد از اعتبار لازم برخوردارند و در نهایت الگو، از برازش خوبی برخوردار است. **نتیجه‌گیری:** مشارکت‌پذیری دانشجومعلمیان در فعالیتهای فرهنگی مستلزم وجود برنامه منسجم، اجرای مناسب، نیازسنجی دقیق و پایش مستمر است. در این زمینه باید مسئولیت اساسی را به خود دانشجومعلمیان سپرد.

واژگان کلیدی: مشارکت جویی، مشارکت جویی فرهنگی، تربیت معلم، برنامه‌های فرهنگی.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹

۱. دکترای تخصصی مدیریت آموزشی؛ استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
m.namdari@cfu.ac.ir

الف) مقدمه

فرهنگ و تربیت با آموزش و پرورش، هم از لحاظ لغوی و هم از نظر مفهومی و کارکردی، پیوندی عمیق دارد. تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). از طرفی؛ تربیت، فعالیتی فرهنگی است؛ زیرا عنوان مجموعه پیچیده‌ای از ارزشها، اعتقادات، حقوق، هنرها، آداب، اخلاق و سایر از آن به یاد می‌شود که فرد به عنوان عضو جامعه‌اش کسب می‌کند. (ضیاء و زارع، ۱۳۹۹)

این قرابت و درهم‌تنیدگی در مفاهیمی مانند آموزش و پرورش به مثابه فرهنگ (متیوس و ساواریموتو،^۱ ۲۰۲۰)، آموزش و پرورش فرهنگی (ساویتی^۲ و همکاران، ۲۰۲۱)، آموزش و پرورش شهروندی (دیوب،^۳ ۲۰۲۴) و آموزش و پرورش فرهنگ‌ساز (مینگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۴) نمایان شده که حاکی از اهمیت نقش نظام تعلیم و تربیت در فرهنگ‌سازی سطوح مختلف اجتماع است. می‌توان گفت جامعه نمی‌تواند حیات داشته باشد، مگر اینکه بین اعضای آن همگنی کافی وجود داشته باشد. نظام تعلیم و تربیت با تثبیت شباهتهای اساسی مورد نیاز زندگی جمعی در روح دانش‌آموزان، این همگنی را استمرار می‌بخشد و تقویت می‌کند و جامعه‌پذیری^۵ را قوام می‌بخشد. نظامهای آموزشی در زمینه درونی‌سازی ارزشها و فرهنگ‌سازی (همان) از چند طریق عمل می‌کنند؛ نخست، برنامه‌های درسی است که در بر گیرنده مباحث و محتواهای فرهنگی‌اند. دوم، روشهای آموزش و تربیت است که توسط مربیان و مدرّسان در کلاس درس و محیط آموزشی اجرا می‌شود و در نهایت، دانشگاه به عنوان کانونی برای عرضه و اجرای رویدادهای فرهنگی است که در اینجا، دانشگاه پذیرای فرهنگ است.

مطابق تعریف انجمن روان‌شناسان آمریکا^۶ (۲۰۲۴)، می‌توان رویداد^۷ را هر واقعه یا پدیده‌ای دانست که یک آغاز مشخص و یک پایان مشخص داشته باشد و باعث ایجاد تغییر شود. اگر این رویداد، مضمون خاصی داشته باشد، به آن خوانده می‌شود؛ مانند رویداد ورزشی، رویداد گردشگری، رویداد آموزشی و رویداد فرهنگی. رویدادهای فرهنگی،

-
1. Mathews & Savarimuthu
 2. Sawitri
 3. Dube
 4. Meng
 5. Socialisation
 6. American Psychologists Association (APA)
 7. Event

رویدادهای رسمی و مفرّحی‌اند که به منظور معرفی، تأکید یا ارائه دستاوردهای یک پدیده خاص فرهنگی برنامه‌ریزی شده و در معرض دید قرار می‌گیرد. اهداف رویدادهای فرهنگی با توجه به مضمون رویداد می‌تواند متفاوت باشد؛ اما می‌توان اهدافی مانند ایجاد تصویر ذهنی مطلوب (لی^۱ و همکاران، ۲۰۱۱)، حمایت از آداب و رسوم، عقاید و میراث فرهنگی جوامع (ساوینوویچ^۲ و همکاران، ۲۰۱۲)، ارتقای غرور مردم و تقویت همبستگی اجتماعی (وبر و علی‌نایت، ۲۰۱۲)، رفع اثرات جهانی شدن بر هویت جوامع محلی (مک‌دوال، ۲۰۱۰^۴)، ارتقای رفاه برای جامعه از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی (متیسون^۵ و همکاران، ۲۰۱۴) برشمرد.

نظام تربیت معلم، به عنوان رکن تحول و تعالی منابع انسانی نظام تعلیم و تربیت کشور، برای دستیابی به رسالت عظیم تربیت چندساحتی بایستی در حوزه‌های برنامه‌های درسی و فرهنگی به صورت یکپارچه عمل کند تا دستیابی به حیات طیبه را رقم بزند (زارع بازقلعه و همکاران، ۱۴۰۱). بررسی روند مشارکت دانشجویان در برنامه‌های فرهنگی، متمایز از وضعیت سایر دانشگاهها نیست. وضعیت کنونی فعالیتهای فرهنگی در دانشگاه فرهنگیان نشان می‌دهد تعدد و تنوع جشنواره‌ها، بدون نگاه به یکپارچگی هویتی، سلیقه‌ای و فاقد مبنای جامع، تحول فرهنگی است. از این رو، چون فعالیتهای فرهنگی - اجتماعی با مبنای هویتی دانش‌جو‌معلم‌ان هم‌راستا نیست، مشارکت دانشجویان نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست که در برخی مطالعات، پژوهش شده است (مختاریان‌پور و دهقانی، ۱۳۹۷؛ صادقی‌نیا و حاجانی، ۱۳۹۶؛ قائدعلی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین پژوهشهای دیگر به نقش عوامل اجتماعی - فرهنگی (عنایت و همکاران، ۱۳۹۸)، برنامه‌ریزی فعالیتهای فرهنگی (توسلی و تقی‌پور، ۱۳۹۵) و شناسایی و تعیین شاخصهای مشارکت جوانان در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پرداختند.

پژوهشهای مرتبط در این زمینه را می‌توان از چند لحاظ دسته‌بندی کرد. بخشی از پژوهشها به بررسی نقش آموزش و پرورش در تربیت فرهنگی و فرهنگ‌سازی (مرادی، ۱۴۰۲) پرداخته‌اند که برگرفته از نظریات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و نقش مدرسه در اجتماعی کردن دانش‌آموزان است. برخی دیگر از پژوهشها به طراحی الگو در زمینه‌های مختلف مانند الگوی سیاستهای فرهنگی نظام آموزش و پرورش (نوبد ادهم و صادق‌زاده قمصری، ۱۳۹۴)، طراحی الگوی

-
1. Lee
 2. Savinovic
 3. Weber & Ali-Knight
 4. McDowall
 5. Matheson

ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران (احمدی پور و همکاران، ۱۴۰۰)، طراحی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران (بازگلی و همکاران، ۱۳۹۹) و الگوی مفهومی نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش ایران (معینی و چرابین، ۱۳۹۹) پرداخته‌اند که هدف اساسی آنها ارائه الگوهای کلی در عرصه سیاستگذاری بوده است. دسته سوم پژوهشها به عرصه کاربرد، نگاهی واقع‌بینانه داشته‌اند؛ برای مثال، بررسی راهکارهای افزایش مشارکت دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در فعالیتهای فرهنگی - اجتماعی (زارع بازقلعه و همکاران، ۱۴۰۱) و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای دانش آموزی (نوابخش و اسمی، ۱۳۹۱) در برهه‌های مختلف پژوهش شده است.

مطالعه و بررسی این پژوهشها حاکی از آن است که الگوی خاصی در زمینه مشارکت‌پذیری دانشجومعلم در عرصه فرهنگی وجود ندارد و این شکاف پژوهشی احساس می‌شود. بنابر این، پژوهش حاضر در نظر دارد به شیوه‌ای علمی نسبت به طراحی الگوی مشارکت‌پذیری فرهنگی در نظام تربیت معلم بپردازد و بر این اساس، اهداف ذیل را مد نظر دارد:

۱. تعیین مؤلفه‌های اصلی مشارکت‌پذیری فرهنگی دانشجومعلم؛
۲. تعیین شاخصهای مشارکت‌پذیری فرهنگی دانشجومعلم؛
۳. تدوین و ارائه الگوی مشارکت‌پذیری فرهنگی دانشجومعلم؛
۴. اعتباریابی الگوی مشارکت‌پذیری فرهنگی دانشجومعلم.

۱. پیشینه پژوهش

زارع بازقلعه و همکاران (۱۴۰۱) به شناسایی راهکارهایی برای افزایش مشارکت دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی پرداختند. نتایج نشان دادند ۱۱ مؤلفه سیاستگذاری، نیازمندی، جو و فرهنگ، روشها، سیستم پاداش‌دهی، ساختار، آگاهی‌بخشی، کنشگری همیاران، بهینه‌سازی فرایندها، دانشجویشناسی و محتواسازی بر افزایش مشارکت اثرگذارند.

احمدی پور و همکاران (۱۴۰۰) به ارائه الگوی ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش پرداختند. الگوی ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش در قالب شش بعد، شامل عوامل زمینه‌ای، علی، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها ارائه شد.

بازگلی و همکاران (۱۳۹۹) به شناسایی پنج مؤلفه اثرگذار بر فعالیتهای فرهنگی، شامل هویت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تعاملات خانوادگی، مصرف رسانه و سبک زندگی و

ارائه الگوی مشارکت‌جویی فرهنگی دانشجویان ... ◇ ۱۴۱

همچنین پنج مؤلفه اثرپذیر، شامل پیشرفت تحصیلی، توانمندسازی دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مقبولیت اجتماعی و شادی اقدام کردند.

معینی و چراغین (۱۳۹۹) به ارائه الگوی مفهومی نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش ایران پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد الگو شامل پدیده محوری (ارزشها، مبانی، اصول)، عوامل علی (عوامل کلان فرهنگی، شرایط سازمانی، عوامل فردی و خانوادگی)، عوامل مداخله‌گر (فرهنگ ملی و عمومی، قوانین و سیاست)، عوامل زمینه‌ای (فرهنگ سازمانی، جو حمایتی سازمانی)، راهبردها (اتخاذ راهبرد نهادینه‌سازی، مشارکت همه‌جانبه، توسعه زیرساختهای فرهنگی) و پیامدهای نقشه جامع فرهنگی (بالندگی فرهنگی سازمانی، توسعه فرهنگی فردی و انسجام اجتماعی) است.

برقی و قصاب‌زاده (۱۳۹۹) به بررسی نیازسنجی فرهنگی دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد نیازهای مذهبی، ملی، اجتماعی، سیاسی، هنری، ورزشی، هنری-آموزشی، علمی-آموزشی، نیازهای معطوف به آزادی قلم و بیان و نیازهای معطوف به جلب توجه و احترام، مهم‌ترین نیازهای فرهنگی دانشجویان اند.

گنجی و همکاران (۱۳۹۷) به مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت فرهنگی در فضای دانشگاه پرداختند. مباحث نظری این پژوهش مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاهها در زمینه مشارکت فرهنگی و سایر متغیرهای اجتماعی مطالعه شده و روش تجربی آن، پیمایش اجتماعی بود. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی در بخش دانشجویان، تأثیر مستقیم متغیرهای استفاده علمی از اینترنت و رضایت‌مندی از سیاستهای حمایتی دانشگاه بر مشارکت فرهنگی دانشجویان و در بخش استادان تأثیر مستقیم متغیرهای استفاده علمی از اینترنت، سرمایه فرهنگی و رضایت‌مندی از سیاستهای حمایتی دانشگاه بر مشارکت فرهنگی استادان را نشان دادند.

مختاریان‌پور و دهقانی (۱۳۹۷) در پژوهشی، ابتدا تمامی الگوهای آسیب‌شناسی و عارضه‌یابی را شناسایی و سپس با استخراج و مطالعه تطبیقی عناصر این الگوها، شباهتها و تفاوتهای آنها را مشخص کردند و سرانجام با مقوله‌بندی عناصر این مدلها، الگوی آسیب‌شناسی اجرای فعالیتهای فرهنگی را طراحی کردند. در انتها نیز با بهره‌گیری از این الگو در یک طرح پژوهشی واقعی، کارآمدی و جامعیت آن در آسیب‌شناسی اجرای فعالیتهای فرهنگی تأیید شده است. مدل ارائه شده افزون بر محور قرار دادن فعالیتهای فرهنگی، جنبه‌های مختلف را به اندازه کافی مورد توجه قرار می‌دهد. این مدل مشتمل بر هشت حوزه

خط مشی گذاری، اجرا (عاملان اجرا)، ارزیابی و نظارت، مدیریت فرایند، آثار، منابع، محتوای برنامه‌ها و فرهنگ است.

توسلی و تقی‌پور (۱۳۹۵) در تحقیقی، عوامل فرهنگی در ابعاد (ارزشها، هنجارها و باورها) را بررسی کردند. مقایسه میانگین رتبه‌بندی تأثیر عوامل فرهنگی بر فعالیتهای فرهنگی دانشگاه نشان داد که بیشترین تأثیر، مربوط به بعد باورها و کمترین آن، مربوط به بعد هنجارها می‌شود.

دلبری و رضانی (۱۳۹۴) به بررسی و مطالعه عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه و پویایی در فعالیتهای فرهنگی پرداختند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای، با نگاهی راهبردی و تجربه‌گرا و با هدف ایجاد پویایی در نهادهای دانشجویی و ارتقای سطح کمی و کیفی فعالیتهای آنان، عوامل و موضوعات اصلی برای ایجاد انگیزه و پویایی در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی دانشجویان را در موارد ذیل بررسی کرده است: نیازسنجی و ظرفیت‌سازی متناسب با علایق دانشجو، برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌آموزی، استفاده از ابزار نوین ارتباطی فضای مجازی، نگاه توسعه‌محور و تعهدآمیز دانشگاه نسبت به نهادهای دانشجویی، خلاقیت و نوآوری فرهنگی در کنار کارآفرینی، توسعه مشارکت و گروه‌های فعال دانشجویی، برنامه‌ریزی منسجم.

نوید ادهم و صادق‌زاده قمصری (۱۳۹۴) در پژوهشی، الگویی مشتمل بر ۲۲ مؤلفه ارائه کردند. این الگو بر اساس مبانی نظری سند تحول بنیادین، رهنامه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، بیانیه ارزشها، بیانیه مأموریت و در نهایت، زیرنظامهای سند تحول طراحی و ارائه شده است.

قائدعلی و عاشوری (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «مشکلات و کاستی‌های اثربخشی فعالیتهای فرهنگی در دانشگاه با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از استادان حوزوی و دانشگاهی و برگزاری چهار جلسه طوفان فکری، داده‌ها را گردآوری کردند و با استفاده از تجزیه و تحلیل مضمون، عواملی را که در کاهش اثربخشی فعالیتهای فرهنگی در دانشگاه مؤثر بود، شناسایی کردند. این عوامل با توجه به اشتراکاتی که داشت، به سه دسته ضعف در هدف، ضعف در شناخت فرهنگ و ضعف در برنامه‌ریزی و سازماندهی تقسیم‌بندی شدند. بارتولوچی^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر گروه‌بندی توانایی بر خودپنداره عمومی افراد و در نتیجه بر انتخابهای مشارکت مدنی آنها پرداختند. نتایج نشان

داد گروه‌بندی توانایی‌ها بر مشارکت مدنی افراد با توانایی بالا در سن ۳۳ سالگی، با توجه به شرکت در انتخابات عمومی تأثیر می‌گذارد. دراجات و نور^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که نیاز به آموزش برای همه کودکان باید شخصی‌سازی شود. همه کودکان به تربیت شخصیت و اخلاق کریمه نیاز دارند. هدف این پژوهش، بررسی چگونگی تربیت شخصیت و اخلاق در کودکان با نیازهای ویژه در دبستان جامع‌الغزالی جاتینانگور بود. نتایج حاکی از آن است که برنامه آموزشی در دبستان جامع‌الغزالی با اکثر مدارس ابتدایی دیگر متفاوت است. ساعتهای طولانی فعالیتهای آموزشی و یادگیری دارد و بیشتر اوقات دانش‌آموزان، در فعالیتهای مدرسه و مملو از کارهای روزمره است که شخصیتهای ثابت و اخلاق کریمه را برای دانش‌آموزان می‌سازد.

لیپیک^۲ و همکاران (۲۰۱۹) به آموزش زبان روسی به دانش‌آموزان مدارس در سفارتخانه‌های فدراسیون روسیه و لزوم استفاده از رویکرد رویدادمحور برای شکل‌گیری و بهبود فعالیتهای آموزشی همگانی ارتباطی پرداختند. در واقعیت آموزشی مدرن، هنگامی که کودکان بدون توجه به مهارت آنان در زبان روسی، دانش‌آموز کلاسهای چندقومیتی در مدارس وزارت امور خارجه می‌شوند، لازم است شرایطی ایجاد شود که به آنها اجازه دهد مهارتهای ارتباطی خود را در دروس زبان روسی و در خارج از برنامه نیز شکل دهند. نونیس^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند آموزش و یادگیری کسب و کار بین‌المللی نیاز به دیدگاهی گسترده و یکپارچه دارد و در نتیجه، نه تنها ذهنیت جهانی آنها را گسترش می‌دهد، بلکه دیدگاه گسترده‌تری را درباره خود، دیگران و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند به آنان می‌دهد.

با توجه به اهمیت و نقش مشارکت دانشجویان در فعالیتهای فرهنگی، در این پژوهش سعی شده است الگویی ارائه شود تا این مشارکت به صورت نظام‌مند عمل کند. بر اساس مطالعات پیشین، کمتر به بافتار و زمینه نظام تربیت معلم توجه شده است و با وجود ارائه الگوهای کلی در برخی مطالعات (معینی و چراپین، ۱۳۹۹؛ نوید ادهم و صادق‌زاده قمصری، ۱۳۹۴)، باید متذکر شد این الگوها اگرچه به موضوع فعالیت فرهنگی پرداخته‌اند، اما به موضوع مشارکت در حوزه تربیت معلم وارد نشده‌اند.

1. Drajat & Nor

2. Leppik

3. Nonis, Relyea & Hunt

ب) روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر روش گردآوری اطلاعات، آمیخته اکتشافی متوالی^۱ است که روشی برای گردآوری، تجزیه و تحلیل، و ترکیب یا یکپارچه سازی داده های کمی و کیفی در یک مطالعه واحد است. منطق ترکیب دو نوع اطلاعات، این است که روشهای کمی و کیفی به تنهایی نمی توانند ماهیت مسئله را به خوبی درک کنند و روند و جزئیات شرایط مسئله پیچیده ای مانند مشارکت فرهنگی دانشجومعلم را تبیین کنند. زمانی که از ترکیب روشها استفاده می شود، روشهای کمی و کیفی مکمل یکدیگر شده، تصویر کامل تری از مسئله پژوهشی ارائه می دهند (بازرگان، ۱۳۹۶). بر اساس هدف، روش پژوهش حاضر، کاربردی است؛ زیرا هدف این است که مؤلفه های جریان سازی رویدادهای فرهنگی را شناسایی و الگوی متناسب با آن ارائه شود؛ از این رو، ارائه الگویی بدیع در این زمینه می تواند مبنایی برای پژوهشها و اقدامات بعدی باشد. به عبارتی؛ این الگو می تواند مبنایی برای پژوهشهای آتی باشد. از منظر روش اجرا، توصیفی (غیر آزمایشی) از نوع اکتشافی است؛ زیرا بر اساس هدف پژوهش، برای شناسایی راههای مشارکت باید شرایط پدیده مورد بررسی توسط مشارکت کنندگان، توصیف و تحلیل شود.

۱. بخش کیفی

در بخش کیفی، از لحاظ ماهیت روش گردآوری، از روش نظریه بر خاسته از داده ها و رویکرد نخواستنه گلیرز استفاده شد. در این طرح، نظریه از داده ها حاصل می شود و بدون هیچ تأکیدی بر مقوله یا الگوی خاصی، به کاوش در داده ها پرداخته می شود (بازرگان، ۱۳۹۶). از این رو، سعی شد راهکارهای افزایش مشارکت دانشجومعلم در فعالیتهای فرهنگی از تحلیل مصاحبه ها استخراج شود.

میدان پژوهش شامل دو بخش است: دانشجومعلم (دانشجومعلمانی که از سال ۱۴۰۰ در دانشگاه فرهنگیان مشغول به تحصیل اند و در مسابقات، جشنواره ها و فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی رتبه هایی را کسب کرده اند) و متخصصان دانشگاهی (افراد که در حوزه های فرهنگی دارای مسئولیت بوده اند یا در حوزه فعالیتهای فرهنگی طی هفت سال گذشته، پژوهش داشته اند). با کاربرست روش نمونه گیری هدفمند افراد انتخاب شدند؛ زیرا باید اطلاعات از افرادی آشنا با اهداف، مأموریتها، ساختار و وظایف فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان به دست می آمد. مشخصات افراد مورد مصاحبه در جدول ۱ نشان داده شده است.

1. Mixed method research

ارائه الگوی مشارکت‌جویی فرهنگی دانشجومعلم‌ان ... ۱۴۵

جدول ۱: مشخصات شرکت‌کنندگان در مصاحبه

گروه	کد	جنسیت	استان	رشته تحصیلی	مدت مصاحبه (دقیقه)
دانشجومعلم‌ان	۱د	مرد	تهران	آموزش ابتدایی	۵۴
	۲د	مرد	گیلان	آموزش ابتدایی	۶۱
	۳د	مرد	تهران	آموزش ابتدایی	۴۸
	۴د	مرد	خراسان رضوی	آموزش الهیات	۷۳
	۵د	زن	فارس	آموزش ابتدایی	۵۲
	۶د	زن	اصفهان	آموزش فیزیک	۵۵
	۷د	زن	اصفهان	آموزش زبان فارسی	۸۲
	۸د	زن	همدان	آموزش الهیات	۴۴
	۹د	مرد	کردستان	آموزش ابتدایی	۶۳
	۱۰د	زن	آذربایجان شرقی	آموزش شیمی	۷۶
	کد	جنسیت	پست سازمانی	رشته تحصیلی	مدت زمان مصاحبه
خبرگان	۱م	زن	کارشناس فرهنگی	برنامه‌ریزی درسی	۸۷
	۲م	مرد	کارشناس فرهنگی	مدیریت آموزشی	۹۲
	۳م	مرد	کارشناس فرهنگی	علوم اجتماعی	۶۹
	۴م	مرد	عضو هیئت علمی	روانشناسی تربیتی	۸۴
	۵م	مرد	عضو هیئت علمی	جامعه‌شناسی	۷۷
	۶م	زن	عضو هیئت علمی	الهیات	۷۳
	۷م	مرد	عضو هیئت علمی	مدیریت آموزشی	۶۲
	۸م	مرد	عضو هیئت علمی	زبان و ادبیات فارسی	۸۰

برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. سؤالهای مصاحبه بر اساس مبانی نظری، پژوهشی و تجارب زیسته طراحی شد. از روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات استفاده شد که روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. علت استفاده از این روش آن بود که باید ابتدا مضامین و مقوله‌های مربوط به راهکارهای مشارکت شناسایی می‌شد. شناسایی این مضامین، در تدوین الگوی مد نظر ضروری بود. از روش دپوی و گیتلین^۱ (۲۰۰۵) برای تحلیل مضمون استفاده شد. پایایی مصاحبه‌ها در دو حالت بازکدگذاری پژوهشگر و بازکدگذاری توسط کدگذار دیگر انجام شد. نتایج محاسبه ضریب توافق در حالت بازکدگذاری توسط محقق، ۰/۹۳ و در بازکدگذاری توسط فرد دیگر ۰/۷۸ به دست آمد که مقادیر مطلوبی‌اند. برای بررسی اعتبار، از روشهای درگیری طولانی مدت و تأیید به وسیله افراد مطالعه استفاده شد.

۲. بخش کمی

در بخش کمی، روش پژوهش مورد استفاده، توصیفی بود؛ زیرا هدف آن بود که الگوی تدوین شده در مرحله کیفی اعتباریابی شود. به عبارتی؛ چون هدف آزمون کردن مدل و الگوی به دست آمده در مرحله کیفی است، باید در نمونه وسیعی آزمایش شود. مسئله اصلی در این پژوهش، ارائه الگوی مشارکت فرهنگی دانشجومعلم‌ان بود؛ از این رو برای ارائه الگوی جامع، نیاز بود الگوی به دست آمده، در جامعه وسیع تر آزمون شود.

جامعه آماری این بخش شامل اعضای هیئت علمی (۱۴۵۴ نفر)، مدیران (۱۶۴ نفر) و دانشجومعلم‌ان (۹۴۷۶۵ نفر) در دانشگاه فرهنگیان تا شهریور ۱۴۰۳ بود. پرسشنامه‌ها با کاربری روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، به علت پراکندگی کشوری دانشگاه، توزیع شدند. برای این منظور به طور تصادفی و بر اساس تقسیم‌بندی دانشگاههای برخوردار، نیمه‌برخودار و غیر برخوردار، شش استان (هر کدام دو استان) انتخاب شدند. بر اساس فرمول کوکران، نمونه مد نظر برای مدیران ۱۱۵ نفر، اعضای هیئت علمی ۳۰۴ نفر و دانشجومعلم‌ان ۳۸۳ نفر تعیین شد. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه از نوع محقق ساخته بسته پاسخ بهره گرفته شد. این ابزار، با استفاده از یافته‌های بخش کیفی و با بهره‌گیری از الگوی حاصله ساخته شد. از شاخص روایی محتوایی (CVI) برای بررسی روایی پرسشنامه استفاده شد.

ج) یافته‌ها

سؤال اول و دوم: مؤلفه‌ها و شاخصهای اصلی مشارکت‌پذیری فرهنگی دانش‌معلم‌ان کدام‌اند؟

در پاسخ به سؤال اول و دوم از مصاحبه با دانشجو معلمان، ۱۹۳ کد و اعضای هیئت علمی و خبرگان، ۱۵۵ کد باز استخراج شد که در جدول ۲ نمایش داده شده است. با انجام کدگذاری محوری، ۱۵ مقوله حاصل شد.

جدول ۲: مقوله‌های شناسایی شده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در سؤال اول و دوم

پژوهش

مقوله های اصلی	کدهای استخراج شده
مخاطب شناسی	شناخت تک تک دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، توجه به خواسته های دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، اهمیت شناخت داشته های دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، اهمیت رشد شناختی دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، اهمیت رشد عاطفی دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، توجه به مراحل رشد اخلاقی (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، شناخت مخاطبان دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، شناخت دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، شناخت دانشجو (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)
حمایتگری	برخورد صادقانه با دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، تأثیر در آینده شغلی (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، بازتاب فعالیتها در مراسم (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، بودجه متناسب با فعالیت (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)
مسئولیت سپاری	واگذاری کارها به دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، استفاده از دانشجویان برای انجام فعالیتها (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، استفاده از ظرفیت دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، مدیریت کارها توسط خود دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، واسپاری فعالیتها به دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، اعتماد به توانمندی دانشجویان در مدیریت (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، واگذاری مسئولیتها به دانشجویان (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، واگذاری به دانشجویان و نظارت بر آنها (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، اعتماد به توانمندی دانشجویان در انجام مسئولیتها (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)
کثرت گرایی برنامه ای	کثرت گرا بودن فعالیتها (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، ارائه فعالیتهای متنوع (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، توجه به تمامی سلايق (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، توسعه دایره فعالیتهای فرهنگی (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، توجه به فعالیتهای فرهنگی بومی (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، خارج شدن از فعالیتهای کلیشه ای (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)، گسترش برنامه های فرهنگی (۱/۵/۲/۵/۱۰/۳/۵/۸)

۱۴۸ ♦ فصلنامه علمی فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۵۳

	متنوع سازی خدمات فرهنگی (م/۱/۳/۴/۶)، توجه به تمامی ساحتها در برنامه های فرهنگی (م/۲/۷/۴)
اقناع سازی دانشجو	تبیین فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی (د/۱/۴/۸/۵/۸)، تبیین آثار مشارکت (د/۲/۵/۱۰/۱/۳/۳)، توجه تأثیر فعالیتهای فرهنگی بر حرفه معلمی (د/۳/۴/۵/۵/۶/۲/۴/۷)، مشخص نبودن هدف (د/۳/۹/۶/۸)
ادغام برنامه های	ادغام برنامه های فرهنگی با برنامه های درسی (د/۲/۶/۱/۲/۵)، پژوهش محوری فعالیتهای فرهنگی (د/۹/۶/۷/۸)، جاری کردن فعالیتها در زیست دانشجو (د/۸/۲/۴/۵)، تلفیق برنامه های فرهنگی با سایر برنامه ها (د/۶/۸/۲/۳)
نیاز شناسی	در نظر گرفتن نیازهای دانشجو معلمان (د/۱/۳/۴/۷/۱/۲/۳)، نیازسنجی از دانشجویان (د/۲/۶/۹/۳/۴)، نیازسنجی از مسئولین آموزش و پرورش (د/۸/۱/۴/۷)، نیازسنجی از استادان (م/۳/۴/۷)
اطلاع رسانی	آگاهی رسانی فعالیتها (د/۲/۴/۵/۷/۸/۹/۱۰/۵)، اطلاع رسانی از طرق مختلف (د/۲/۳/۱۰/۱/۳/۵)، آگاهی بخشی فردی (د/۹/۱)، اطلاع رسانی رسانه ای (د/۲/۳/۵/۸/۵)
پایش فرهنگی	پایش مستمر برنامه ها (د/۱/۳/۵/۸/۹/۱۰/۱/۳/۴/۸) هزینه-فایده برنامه ها (د/۵/۶/۳/۴/۶/۷)، نظارت بر فرایند اجرای برنامه ها (د/۴/۸/۱۰/۱/۳/۷/۸)
وحدت سیاستی	یکی بودن منبع فعالیتهای فرهنگی (د/۴/۶/۷/۳/۵/۸)، تعدد مراکز تصمیم گیری در مسائل فرهنگی (د/۳/۵/۱/۲/۴)، ممانعت از ورود حوزه های غیر تخصصی (د/۴/۹/۱۰/۳/۶)، هماهنگی بین واحدهای مرتبط فرهنگی (د/۳/۷/۸/۹/۴/۵/۶/۷)، یکسان شدن تصمیمات فرهنگی (د/۱/۴/۵/۱/۲)
کیفیت بخشی اجرا	ارتقای کیفیت جشنواره ها (د/۱/۲/۳/۵/۷/۸/۴)، ارائه ضوابط برای فعالیتها (د/۷/۸/۳/۵)، ارتقای سطح کیفیت دوره ها (د/۲/۳/۷/۸/۳/۴)، ارتقای سطح استانداردهای فعالیتها (د/۴/۷/۱۰/۵)
سنجش دستاوردی	سنجش دستاوردهای فرهنگی (د/۳/۸/۳/۵)، کاربست فعالیتها در محیط واقعی (د/۸/۹/۶/۸)، سنجش اثر فعالیتها روی دانش آموزان (د/۶/۵/۶/۸/۸)، سنجش آثار پسایندی فعالیتها (د/۶/۱۰/۵/۷/۸)
شخصی سازی	متناسب سازی فعالیتها به تناسب هر دانشجو (م/۶/۷/۸)، برنامه ریزی برای هر دانشجو یان (د/۳/۵/۳/۴/۵)، فردی کردن فعالیتهای فرهنگی (د/۳/۴/۵/۸)

شبکه‌سازی و تیم‌سازی	درگیر شدن گروه‌های دانشجویی (د/۳/۷/۴/۳/۵)، ایجاد شبکه بین دانشجویان (د/۳/۷/۴/۳/۵/۹/۸/۳/۲/۷)، توجه به کانکتیویزم (م/۴/۷)، راهبری از طریق شبکه‌های دانشجویی (د/۱۰/۳/۵/۷)، عمل از طریق تشکیلات (د/۵/۸/۳/۴/۷)
استعدادشناسی	استعدادیابی فرهنگی (د/۱/۸/۳/۵/۸)، کشف استعدادها (د/۲/۳/۷/۴/۵)، مدیریت استعدادها (د/۷/۳/۵/۶)، برنامه‌ریزی مبتنی بر استعداد (د/۴/۹/۱۰/۳/۴)، ارائه برنامه سنجش استعداد (د/۴/۸/۴/۵)، توجه به ظرفیت‌ها (د/۴/۹/۵/۶/۸)

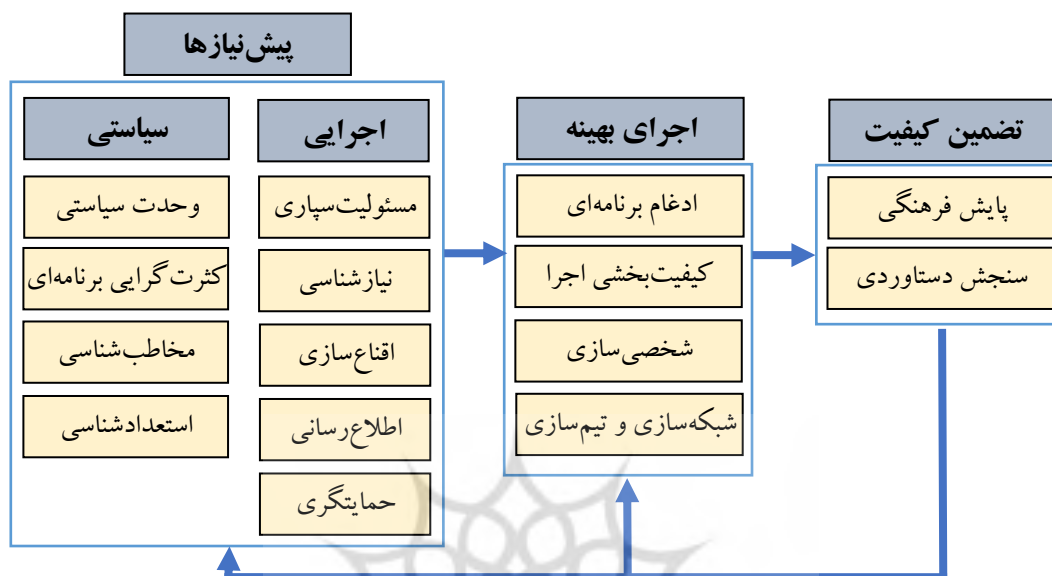
سؤال سوم: الگوی مشارکت‌پذیری فرهنگی دانشجومعلم‌ان چیست؟

کدهای محوری (مقوله‌ها) استنباط‌شده بر اساس چند روند، باهم‌نگری شدند. این روندها عبارتند از:

- بازبینی روند مصاحبه‌های انجام گرفته با مشارکت کنندگان: به نظر می‌رسید مشارکت در فعالیتهای فرهنگی از منظر دانشجومعلم‌ان (به ویژه) دارای پیشایندها و پسایندهایی باشد. به همین دلیل مصاحبه‌ها با این لنز تحلیل شدند.
- بهره‌گیری از رویکرد سیستمی: فعالیتهای فرهنگی شامل سه مرحله ورودی، فرایند و خروجی است و این نگاه در تدوین الگو مورد توجه قرار گرفت.
- تجربیات زیسته پژوهشگر در حوزه کار در فعالیتهای فرهنگی و به عنوان عضو هیئت علمی، برای تدوین الگو، یاری‌گر بود.
- فعالیتهای پژوهشی مشابه پیشین، با دقت بررسی شد و الگوهای آشکار و پنهان در آنها مد نظر قرار گرفت.

با این توضیحات، الگوی نهایی تدوین و در قالب شکل ۱ ارائه شد.

پژوهش‌های فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱: الگوی پژوهش (مشارکت‌جویی فرهنگی دانش‌جو معلمان دانشگاه فرهنگیان)

سؤال چهارم: آیا الگوی مشارکت‌پذیری فرهنگی دانش‌جو معلمان از اعتبار لازم برخوردار است؟

برای سنجش اعتبار الگوی به دست آمده، بر اساس مقوله‌های الگو و با بهره‌گیری از پژوهشهای پیشین و به ویژه ابزارهای موجود در این زمینه، پرسشنامه بسته پاسخ تدوین شد. این ابزار، شامل ۹۳ گویه بود که به تناسب مقوله‌ها تدوین شد. برای بررسی پرسشنامه، گروه کانونی متشکل از دو کارشناس مجرب فرهنگی، دو دانش‌جو معلم و دو نفر عضو هیئت علمی که در مسائل فرهنگی، استاد مشاور بودند، برگزار شد. پس از بررسی تک‌تک گویه‌ها، در نهایت ابزار با ۸۷ گویه (حذف شش گویه به دلیل همپوشانی با سایر گویه‌ها یا عدم ارتباط) تأیید شد. روایی صوری پرسشنامه نیز بر اساس نسبت روایی محتوایی^۱ بررسی شد. محاسبه این نسبت از نظرات متخصصان، به این صورت بود که با خواندن پروتکل تدوین شده، در خصوص هر یک از گویه‌ها بر اساس طیف سه درجه‌ای، شامل «گویه لازم است»، «گویه مفید است، ولی لازم نیست» و «گویه لازم نیست»، نظر خود را ابراز کردند. در این بخش، ۲۸ نفر مشارکت داشتند. مقادیر نشان داد که به غیر از دو گویه، سایر گویه‌ها، مقادیر بالای

1. Content Validity Ratio (CVR)

۰.۵۴ داشتند که نشان‌دهنده مناسب بودن گویه‌هاست (آیره و اسکالی^۱ (۲۰۱۴) مقادیر بالای ۰.۳۳ را مناسب می‌دانند). پایایی پرسشنامه با روش همسانی درونی آلفای کرونباخ و با اجرای مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: پایایی پرسشنامه مشارکت‌پذیری فرهنگی دانشجومعلم‌ان بر اساس روش آلفای کرونباخ

مؤلفه‌ها	مقدار آلفا	مؤلفه‌ها	مقدار آلفا	مؤلفه‌ها	مقدار آلفا
مخاطب‌شناسی	۰.۸۰	ادغام برنامه‌ای	۰.۷۶	کیفیت‌بخشی اجرا	۰.۸۹
حمایت‌گری	۰.۷۹	نیازشناسی	۰.۹۵	سنجش دستاوردی	۰.۸۵
مسئولیت‌سپاری	۰.۸۲	اطلاع‌رسانی	۰.۹۰	شخصی‌سازی	۰.۷۸
کثرت‌گرایی برنامه‌ای	۰.۸۵	پایش فرهنگی	۰.۸۴	شبکه‌سازی و تیم‌سازی	۰.۸۴
اقتناع‌سازی دانشجو	۰.۹۳	وحدت سیاسی	۰.۸۱	استعدادشناسی	۰.۹۳
پایایی کل: ۰.۸۷					

نتایج جدول ۳ نشان داد پایایی کل پرسشنامه ۰.۸۷ است که مقدار مطلوبی است. همچنین پایایی تمامی مؤلفه‌ها بالای ۰.۷۶ به دست آمد. بالاترین پایایی مربوط به نیازشناسی (۰.۹۵)، استعدادشناسی (۰.۹۳)، اقتناع‌سازی دانشجو (۰.۹۳) و اطلاع‌رسانی (۰.۹۰) بود و کمترین این مقدار برای ادغام برنامه‌ای (۰.۷۶)، شخصی‌سازی (۰.۷۸) و حمایت‌گری (۰.۷۹) بود. برای اعتبارسنجی الگوی مرحله قبل، از تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم استفاده شد. جدول ۴ مقادیر آماره‌های مربوط به تحلیل عاملی در بخش پیش‌نیازها را نشان می‌دهد.

جدول ۴: پارامترهای اندازه‌گیری شده تحلیل عاملی تأییدی در مؤلفه‌های الگو

مؤلفه‌ها	برآورد استاندارد شده	خطای معیار	مقدار تی	واریانس تبیین شده
پیش‌نیاز سیاسی	۰.۹۴	—	۲۷.۶۲**	۰.۸۸
وحدت سیاسی	۰.۸۵	۰.۲۸	۳۰.۵۶**	۰.۷۲
کثرت‌گرایی برنامه‌ای	۰.۸۴	۰.۲۹	۳۰.۴۵**	۰.۷۱
مخاطب‌شناسی	۰.۸۴	۰.۳۰	۳۰.۳۲**	۰.۷۱

مؤلفه‌ها	برآورد استاندارد شده	خطای معیار	مقدار تی	واریانس تبیین شده
استعدادشناسی	۰.۸۸	۰.۲۳	۳۲.۷۳**	۰.۷۷
پیش‌نیاز اجرایی	۰.۹۶	—	۲۸.۵۳**	۰.۹۲
مسئولیت‌سپاری	۰.۸۳	۰.۳۱	۲۸.۹۸**	۰.۶۹
نیازشناسی	۰.۸۴	۰.۳۰	۲۹.۴۴**	۰.۷۱
اقتناع‌گری	۰.۸۵	۰.۲۸	۳۰.۲۷**	۰.۷۲
اطلاع‌رسانی	۰.۸۵	۰.۲۸	۳۰.۱۷**	۰.۷۲
حمایت‌گری	۰.۸۶	۰.۲۷	۳۰.۵۸**	۰.۷۴
اجرای بهینه	۰.۹۷	—	۲۸.۱۷**	۰.۹۴
ادغام برنامه‌ای	۰.۸۴	۰.۲۹	۳۰.۰۱**	۰.۷۱
کیفیت‌بخشی	۰.۸۶	۰.۲۶	۳۱.۱۹**	۰.۷۴
شخصی‌سازی	۰.۸۰	۰.۳۶	۲۷.۸۵**	۰.۶۴
شبکه‌سازی	۰.۸۷	۰.۲۴	۳۱.۹۷**	۰.۷۶
تضمین کیفیت	۰.۹۶	—	۲۹.۶۰**	۰.۹۲
پایش فرهنگی	۰.۸۸	۰.۲۲	۳۲.۱۰**	۰.۷۷
سنجش دستاوردها	۰.۸۴	۰.۳۰	۳۱.۵۴**	۰.۷۱

اطلاعات جدول ۴ حاکی از آن است که ضرایب استاندارد شده در سازهٔ پیش‌نیاز سیاسی، برای مؤلفه‌های وحدت سیاسی: ۰.۸۵، کثرت‌گرایی برنامه‌ای: ۰.۸۴، مخاطب‌شناسی: ۰.۸۴ و استعدادشناسی: ۰.۸۸ به دست آمد. مقدار واریانس تبیین شده که معذور ضرایب استاندارد شده است، حاکی از آن است که مؤلفهٔ استعدادشناسی با بیشترین مقدار (۰.۷۵) واریانس پیش‌نیاز سیاسی را تبیین می‌کند. در مؤلفهٔ پیش‌نیاز اجرایی، ضرایب استاندارد شدهٔ زیرمؤلفه‌های مسئولیت‌سپاری: ۰.۸۳، نیازشناسی: ۰.۸۴، اقتناع‌گری: ۰.۸۵، اطلاع‌رسانی: ۰.۸۵ و حمایت‌گری: ۰.۸۶ به دست آمد. بیشترین واریانس تبیین شده برای این مؤلفه، مربوط به حمایت‌گری بود که ۰.۷۴ از واریانس پیش‌نیاز اجرایی را تبیین می‌کرد. در مؤلفهٔ اجرای بهینه، مقدار ضریب استاندارد شده برای مؤلفه‌های ادغام برنامه‌ای: ۰.۸۴، کیفیت‌بخشی: ۰.۸۶، شخصی‌سازی: ۰.۸۰ و شبکه‌سازی: ۰.۸۷ حاصل شد و بر همین اساس، بیشترین مقدار واریانس تبیین شده برای زیرمؤلفهٔ شبکه‌سازی بود که ۰.۷۶ واریانس اجرای بهینه را تبیین می‌کرد. در مؤلفهٔ تضمین کیفیت، ضریب استاندارد شده برای پایش فرهنگی: ۰.۸۸ و سنجش دستاوردها: ۰.۸۴ به دست آمد و می‌توان گفت زیرمؤلفهٔ پایش فرهنگی، ۰.۷۷ واریانس تضمین کیفیت فرهنگی را تبیین می‌کند.

با توجه به نتایج تحلیلها، شاخص RAMSEA با مقدار ۰.۰۸ و RMR با مقدار ۰.۰۴ به عنوان شاخصهای خطای مناسب، شاخص GFI با مقدار ۰.۹۵، شاخص AGFI با مقدار ۰.۹۳ و شاخص NFI با مقدار ۰.۹۶ انطباق خوب مدل با داده‌های مشاهده‌شده را نشان می‌دهد.

د) بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف ارائه الگوی مشارکت‌پذیری دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگی در برنامه‌های فرهنگی انجام شد. نتایج تحلیل کیفی نشان داد سه دسته اصلی «پیش‌نیازها»، «اجرای بهینه» و «تضمین کیفیت فرهنگی» مهم‌ترین مؤلفه‌های مشارکت‌پذیری‌اند. مؤلفه «پیش‌نیازها» به دو دسته «پیش‌نیازهای سیاستی» و «پیش‌نیازهای اجرایی» تقسیم شد. در مؤلفه «پیش‌نیازهای سیاستی»، چهار زیرمؤلفه «وحدت سیاستی»، «کثرت‌گرایی برنامه‌ای»، «مخاطب‌شناسی» و «استعدادشناسی» پدیدار شد. مفهوم «وحدت سیاستی» بر دستیابی به هماهنگی و همسویی میان ابتکارات فرهنگی مختلف در یک سیستم تمرکز دارد و تأکید آن بر اهمیت هماهنگ‌سازی تلاشها در بخشهای مختلف برای رسیدگی مؤثر به نیازهای فرهنگی جامعه است (هولمز، ۲۰۲۲). این رویکرد شامل همکاری‌هایی است که در آنها، منابع و برنامه‌ها به طور راهبردی برای ایجاد یک محیط فرهنگی منسجم هم‌راستا می‌شوند (ابگیو و ابگیو، ۲۰۲۴). نتایج این پژوهش با یافته‌های زارع بازقلعه و همکاران (۱۴۰۱)، احمدی‌پور و همکاران (۱۴۰۰)، گنجی و همکاران (۱۳۹۷) و دلبری و رضانی (۱۳۹۴) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، سیاستگذاری فرهنگی به طور کلی و در دانشگاه فرهنگیان به طور ویژه، از نهادها و بخشها و سازمانهای مختلف منبعث می‌شود و رویکرد منفعلانه دانشگاه در این زمینه مسئله‌ساز است. در وحدت سیاستی بایستی همکاری بین نهادها برای دستیابی به وحدت رویه بین سازمانها و منابع تصمیم‌گیری، تقویت شود؛ اما عاملیت معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه حفظ شود. ایجاد فرایندها و سازوکارهای شفاف برای مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی می‌تواند احساس تعلق و مسئولیت را در میان دانشجومعلم‌ان افزایش دهد. از سوی دیگر، تدوین سیاستهای همسو برای هماهنگی بین اهداف فرهنگی با اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی ضروری است. مفهوم دیگر، «کثرت‌گرایی برنامه‌ای» است که به مفهوم ارائه فعالیتهای متنوع فرهنگی بنا به نیازها و علایق دانشجومعلم‌ان می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهشهای نوابخش و اسمی (۱۳۹۱)، قائدعلی و

1. Holmes

2. Obeagu, & Obeagu

همکاران (۱۳۹۳) و گنجی و همکاران (۱۳۹۷) همسو بود. باید توجه داشت دانشجو معلمان از سلايق و علايق متفاوتی برخوردارند و هریک در چند ساحت تربیتی، علاقه‌مند به فعالیت‌اند. منظور از ساحت در تعلیم و تربیت، محدوده خاصی است که مجموعه‌ای از فعالیتها و رفتارهای تربیتی در آن قرار می‌گیرد. زمانی که سخن از تعلیم و تربیت به میان می‌آید، در واقع از نوعی قابلیت‌ها و ظرفیتهای وجودی حرف می‌زنیم که در ابعاد مختلف روح و جسم انسان قرار دارند و انسان برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه نیازمند است که با کمک دیگران، آنها را فعلیت بخشد یا آنها را تصحیح، تعدیل، تقویت و هدایت کند (نامداری پژمان، ۱۴۰۳). از این رو، تعلیم و تربیت حوزه‌های مختلفی دارد که اصطلاح «ساحت‌های تربیتی» برای آن به کار گرفته می‌شود. برنامه‌ریزی فرهنگی بایستی جهت‌گیری خود را بر تدوین و ارائه بسته‌ای کامل برای پوشش تمامی ساحتها و علايق دانشجو معلمان تنظیم کند. زیرمؤلفه دیگر، «مخاطب‌شناسی» بود که به معنای بررسی و تحلیل ویژگی‌ها، نیازها و رفتارهای مخاطبان در زمینه‌های مختلف است. این دانش به سازمانها کمک می‌کند تا با درک بهتر مخاطبان خود، ارتباط مؤثرتری برقرار کنند و محتوا یا پیامهای خود را به نحو بهتری ارائه دهند (ماهارانی^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). این یافته با نتایج پژوهشهای توسلی و تقی‌پور (۱۳۹۵) و نوابخش و اسمی (۱۳۹۱) همسویی داشت. در کار و برنامه فرهنگی، مخاطب‌شناسی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا دانش محیط‌شناسی و فرهنگ‌شناسی بومی بر این تأکید دارد که کارگزار فرهنگی باید شناخت صحیحی از قشر بندی‌های اجتماعی داشته باشد و متناسب با هر قشر (مخاطب)، رفتار و مواجهه صحیح و مناسب داشته باشد. این موضوع در جذب مخاطب در تمامی نهادها و سازمانها اهمیت ویژه‌ای دارد، اما اهمیت آن در دانشگاه فرهنگیان، مضاعف است؛ زیرا نهاد تربیت معلم با بنیادی‌ترین عنصر اجتماعی که همانا معلم است، ارتباط دارد. شناخت دانشجو، بستر لازم را برای دستیابی به برنامه فرهنگی هم‌راستا با ویژگی‌های اخلاقی، سیاسی، رشدی، زیستی و دیگر ساحت‌های او فراهم می‌کند. مؤلفه دیگری که در بخش پیش‌نیازها پدیدار شد، «استعدادشناسی» بود. استعدادیابی، استعدادشناسی و مفاهیم مرتبط با آن، به موضوع مدیریت استعداد^۲ برمی‌گردد. مدیریت استعداد، فرایندی راهبردی و سازمان‌یافته است که شامل جذب استعدادهای مناسب و کمک به توسعه آنها در راستای توانمندی‌ها و اهداف سازمان می‌شود (لویس^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). موضوع استعدادیابی و استعدادشناسی در پژوهشهای

1. Maharani
2. Talent management
3. Lubis

پیشین (نامداری پژمان و همکاران، ۱۳۹۸؛ زارع بازقلعه و همکاران، ۱۴۰۱؛ عبدالعلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲) نیز مورد تأکید بوده است. به نظر می‌رسد عدم توجه به استعدادهای دانشجومعلم‌ان در فعالیتهای فرهنگی، یکی از عوامل مهم در عدم مشارکت بوده است؛ زیرا دانشجومعلم با مقایسهٔ علایق و استعدادهای ذاتی خود، برنامه‌های فرهنگی را با داشته‌هایش مقایسه می‌کند و اگر در این زمینه هم‌آوایی و هماهنگی درک کند، به سمت آن برنامه میل می‌کند و در صورت عدم هماهنگی، نسبت به آن بی‌تفاوت خواهد ماند.

در مؤلفه «پیش‌نیازهای اجرایی»، پنج زیرمؤلفه «مسئولیت‌سپاری»، «نیازشناسی»، «اقناع‌گری»، «اطلاع‌رسانی» و «حمایت‌گری» پدیدار شد. مسئولیت‌سپاری هم‌معنا با تفویض اختیار است که از مفاهیم مهم در عرصهٔ مدیریت است و به فرایندی اشاره دارد که در آن یک مدیر، بخشی از اختیارات و مسئولیتهای خود را به زیردستان واگذار می‌کند. این عمل ضروری است؛ زیرا به مدیران اجازه می‌دهد تا روی وظایف راهبردی‌تر تمرکز کنند و از این طریق، کیفیت کار را افزایش داده، مدیریت زمان را بهبود بخشند. این یافته با نتایج پژوهشهای قائدعلی و همکاران (۱۳۹۳) و الداریفای^۱ و همکاران (۲۰۲۴) هم‌راستاست. واگذاری وظایف به دانشجومعلم‌ان، مسئولیت را به دنبال دارد و سعی بر آن خواهد داشت وظایف خود را به نحو مطلوبی به انجام برساند و از طرفی، برای مسئولیت‌آتی مهم، یعنی معلمی آماده می‌شود. زیرمؤلفهٔ بعدی، «نیازشناسی» است که با نتایج پژوهش برقی و قصاب‌زاده (۱۳۹۹) همسو بود. نیازشناسی، منجر به جهت‌دهی فعالیتهای و اقدامات می‌شود؛ به طوری که دانشجومعلم احساس می‌کند این جهت‌گیری هم‌راستا با نیاز اوست و داوطلبانه در فعالیتهای مشارکت می‌کند. برنامه‌های فرهنگی، داوطلبانه است و در این زمینه بایستی با دقت و ظرافت خاصی برنامه‌ریزی کرد. نیاز فرهنگی به معنای تقاضای مستقیم یا داشتن استحقاق برای برخورداری از امکانات فرهنگی است که به صورت مستقیم (بیان احساس نیاز) یا غیر مستقیم (از طریق شاخصها) تعیین می‌شود (گنجی و همکاران، ۱۳۹۷). این شاخصها شامل ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مانند درجهٔ مذهبی بودن، میزان اوقات فراغت و میزان مشارکت است که بیان‌کنندهٔ درجهٔ استحقاق و شایستگی دانشجومعلم‌ان برای استفاده از امکانات فرهنگی معین است. زیرمؤلفهٔ دیگر، «اقناع‌گری» بود که با یافتهٔ پژوهش زارع بازقلعه و همکاران (۱۴۰۱) همسویی داشت. توجیه کافی دانشجومعلم که طی آن دانشجو دریابد که این برنامه چه مشخصاتی دارد و چه آثاری بر دانش، توانش و نگرش او خواهد

داشت، اهمیت زیادی دارد. اقناع‌گری، دارای سطوحی است؛ سطح اول تنها شامل کاهش مقاومت طرف مقابل است و با پیشرفت به سطوح بالاتر قانع‌سازی، تکنیکهای مختلفی می‌توانند به کار گرفته شوند تا به‌طور مؤثر دیگران را به سمت نتیجه یا توافق مطلوب هدایت کنند (کرد^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). قانع‌سازی مؤثر، توانایی‌ها و حمایتها را به حداکثر رسانده، مخالفت دیگران را به حداقل می‌رساند. زیرمؤلفه دیگر در این بخش، «اطلاع‌رسانی» بود که با «اقناع‌گری» مرتبط است و با پژوهشهای قانددلی و همکاران (۱۳۹۳) و نوابخش و اسمی (۱۳۹۱)، همسویی داشت. اطلاع‌رسانی به فرایند انتشار و استفاده از اطلاعات اشاره دارد و شامل مجموعه‌ای از رشته‌های علمی است که به مطالعه خصوصیات و رفتارهای اطلاعات، همچنین نیروهای حاکم بر جریان و کاربرد آن می‌پردازد (ریهان، ۲۰۲۳). این فرایند، نقش حیاتی در درک چگونگی به اشتراک گذاشتن و استفاده از اطلاعات در زمینه‌های مختلف ایفا می‌کند. با عنایت به گستردگی و پراکندگی دانشگاه فرهنگیان و تعداد بالای دانشجومعلم، لازم است اطلاع‌رسانی با شیوه‌های مختلف و اثرگذار صورت پذیرد. یکی از مشکلات اساسی در این زمینه، تکثر کانالها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی است. این شبکه‌ها، هم شامل سکوهایی داخلی و هم خارجی و هم درون‌دانشگاهی است که کارگزاران و دانشجومعلم را دچار نوعی سردرگمی می‌کند. تلاشها برای ایجاد یک سکوی مشخص هم (مانند سامانه شمیم) با عدم استقبال دانشجومعلم روبه‌رو شده است. آخرین زیرمؤلفه در این بخش، «حمایت‌گری» بود که با نتایج پژوهشهای نامداری پژمان و همکاران (۱۳۹۸) و مختاریان پور و دهقانی (۱۳۹۷) همسویی دارد. از آنجا که فرایند آماده‌سازی در دوره تربیت معلم منجر به کسب هویت معلمی می‌شود، حمایت‌گری در این مرحله می‌تواند اعتماد و امنیت روانی ایشان را تأمین کند. ایجاد محیط حمایتی برای دانشجومعلم، شامل پرورش همکاری و تشویق فعالیتهای گروهی، به منظور افزایش خودکارآمدی آنهاست (ارکامبالت^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). جو حمایت‌گرانه به تمامی ارکان و بخشهای دانشگاه برمی‌گردد و باید دانشجومعلم آن را از تمامی بخشها دریافت کند. حمایت‌گری از دانشجومعلم می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی تحصیلی و اجتماعی او کمک کند. این حمایتها شامل مشاوره، منابع مالی، و فرصتهای فرهنگی اند و به ایشان کمک می‌کنند تا تمرکز بیشتری روی تحصیل و رشد شخصی‌شان داشته باشند و از فشارهای اضافی بکاهند.

1. Kord
2. Raihan
3. Archambault

مؤلفه دیگر، «اجرای بهینه» فعالیت‌های فرهنگی است که در آن زیرمؤلفه‌های «ادغام برنامه‌ای»، «کیفیت‌بخشی»، «شخصی‌سازی» و «شبکه‌سازی و تیم‌سازی» پدیدار شدند. ادغام یا تلفیق^۱ به معنای یکپارچه‌سازی برنامه‌ها، محتواها، دروس و گروه‌هاست برای فهم آنچه به عنوان یک کل در نظر گرفته می‌شود. تلفیق برنامه‌های فرهنگی با آموزش و پژوهش، زندگی واقعی، برنامه‌های درسی و ... از مهم‌ترین جنبه‌های تلفیق است. این یافته با نتایج سایر پژوهش‌ها مانند میرشکار و همکاران (۱۴۰۱) و فرهنگ‌ان و همکاران (۱۴۰۱) هم‌راستایی دارد. از آنجا که فرایند تربیت، درهم‌تنیده و یکپارچه است، تجزیه آن به برنامه درسی و غیر درسی آسیب‌هایی دارد. واسپاری مسئولیت فرهنگی به یک بخش در دانشگاه و جداسازی آن از آموزش، موجب می‌شود بین پدیده‌ها در ذهن دانشجو، تفکیک به وجود آید و آن را به درستی درک نکنند. ادغام برنامه‌های فرهنگی، بر ایجاد انسجام و هم‌افزایی میان عناصر فرهنگی مختلف در یک جامعه یا سازمان تمرکز دارد. ادغام مؤثر می‌تواند روند توسعه کلی را با بهینه‌سازی تلاش‌ها و تأکید بر اهداف مشترک ارتقا دهد. زیرمؤلفه بعدی، «کیفیت‌بخشی» به اجرای برنامه‌های فرهنگی بود. ارتقای کیفیت در برنامه‌های فرهنگی بر اولویت دادن به اثربخشی متمرکز است که شامل بازسازی فرایندهای اجرایی در بهبود محتوا به جای افزایش صرف تعداد فعالیت‌هاست. به عبارتی؛ کیفیت اجرا مبتنی بر روشهای اکتشافی، کاوشگری و فعالیت دانشجومعلم، نقش مهمی در مشارکت‌پذیری آنان دارد. زیرمؤلفه «شخصی‌سازی»، دیگر مفهوم برآمده از این بخش بود که با یافته‌های زارع باقلعه و همکاران (۱۴۰۱)، ریاها (۲۰۲۳) و کرد و همکاران (۲۰۲۳) همسو است. از آنجا که شیوه‌های درک و فهم دانشجومعلم‌ان و نیازهای آنان از تنوع برخوردار است، هر فردی در فرایند مشارکت در برنامه‌های فرهنگی دارای انگیزه‌ها و اهداف خاص، تجارب زیسته منحصر به فرد و مؤلفه‌هایی است که باعث تمایز او نسبت به دیگران می‌شود. از این نظر، شخصی‌سازی فعالیت‌ها، امری مهم در جلب مشارکت دانشجومعلم‌ان است که به عنوان عملیاتی تعریف شده است که طی آن محیط‌های موجود بر اساس ویژگی‌های کاربر به سمت نزدیک شدن به اولویت‌هایش تغییر می‌کند. زیرمؤلفه «تیم‌سازی و شبکه‌سازی»، از دیگر مفاهیم پدیدار شده مهم است. عصر دیجیتال، منجر به ظهور نظریه جدیدی در یادگیری شد که از آن به ارتباط‌گرایی^۲ یاد می‌شود (عظیمی و بحرانی، ۱۴۰۱). در چنین موقعیت و شرایطی، یادگیرندگان توانایی آفرینش، هم‌آفرینی و بازآفرینی محتوا را دارند و می‌توانند در گفتمان جهانی

1. Integration
2. Connectivism

مشارکت کنند. ایجاد ارتباط بین دانشجومعلمان و یادگیری از تجربیات زیسته و نمونه کارهای تجربه شده در موقعیتهای مشابه و متفاوت، موجب یادگیری بیشتر و انگیزه افزون تر آنان می شود.

آخرین مؤلفه، «تضمین کیفیت» و شامل «پایش فرهنگی» و «سنجش دستاوردها» بود. تضمین کیفیت، فرایندی به معنای شناسایی مؤلفه های کلیدی عملکرد تربیت معلم، اعم از مؤلفه های اثربخشی یاددهی - یادگیری، رضایت ذی نفعان و آینده و تعیین سیاستها و اقدامات مرتبط با هر مؤلفه است (نامداری پژمان و همکاران، ۱۳۹۸). در این راستا، حصول اطمینان از عملکرد درست و بدون نقص برای دستیابی به «تربیت معلم ناب»، مستلزم سازوکارهای ارزشیابی و پایش مداوم است. به منظور طراحی و پیاده سازی فعالیتهای فرهنگی، ضرورت دارد از نظام ارزیابی و پایش مستمر بهره گرفته شود. ارزیابی را می توان به مفهوم جستجوی نظام مند برای داوری یا توافق درباره ارزش یک پدیده فرهنگی، آموزشی یا ...، برنامه یا فعالیت با هدف بهبودی آن در جهت کاهش فاصله بین نتایج فعلی و مطلوب تعریف کرد. اطلاعات برگرفته از ارزیابی، تعیین کننده وضعیت موجود است و فاصله را با مطلوب نمایان می کند. آنچه در تضمین کیفیت اهمیت اساسی دارد، نحوه و فرایند ارزیابی است. دستاوردهای یادگیری،^۱ به عنوان آنچه دانشجومعلمان در پایان دوره تربیت معلم کسب می کنند، تعریف می شود (نورتویگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). رویکرد دستاوردمحور با تمرکز بر تعیین، تعریف و سنجش دستاوردهای یادگیری، یکی از ابزارهای مهم و رایج و روبه رشد در اصلاح و ارتقای کیفیت یادگیری در نظامهای تربیت معلم اغلب کشورهای پیشرفته دنیاست و طی آن یادگیری ها در موقعیتهای واقعی یا شبیه سازی شده سنجش می شوند.

بر اساس یافته های این پژوهش می توان گفت گفتمان سازی یکپارچگی و وحدت سیاستی در موضوع برنامه های فرهنگی یکی از ضروریات است که بایستی در سطوح مختلف مورد توجه قرار گیرد. در دانشگاه فرهنگیان، مسئله فرهنگی به مراتب از موضوعات آموزشی مهم تر است و متأسفانه این مسئله در سایه واحدهای بالای درسی گم شده است. برنامه های غیر رسمی و پنهان، نیازمند سند کلان و برنامه ریزی دقیق است. مشارکت امری هوشمندانه است که از طریق فرایندهای روان شناختی، جامعه شناختی و فلسفی می تواند بهبود یابد. پیشنهاد می شود برنامه جامعی برای مخاطب شناسی دانشجومعلمان و تنظیم برنامه های فرهنگی بر اساس علایق و استعدادها تنظیم و اجرا شود.

1. Learning Outcomes

2. Nortvig

منابع

- احمدی‌پور، روناک؛ مجتبی معظمی، صدیقه طوطیان و اسماعیل کاووسی (۱۴۰۰). «طراحی الگوی ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران». پژوهشهای آموزش و یادگیری، ۱۸(۲): ۸۲-۶۵.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر روشهای تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: دیدار.
- بازگلی، حمیدرضا؛ محمود صفری و محمدنقی ایمانی (۱۳۹۹). «طراحی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۳(۴۹): ۶۳-۸۰.
- برقی، عیسی و جواد قصاب‌زاده (۱۳۹۹). «بررسی نیازسنجی فرهنگی دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان». فرهنگ و ارتقای سلامت، ۴(۴): ۵۳۹-۵۳۲.
- توسلی، الهام و فائزه تقی‌پور (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر در جهت بهبود فعالیتهای فرهنگی مدرسه عالی شهید مطهری از دیدگاه دانشجویان». مطالعات علوم اجتماعی، ۲(۳): ۶۵-۲۵.
- دلبری، سید مهدی و ولی‌اله رمضانی (۱۳۹۴). «مطالعه عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه و پویایی در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی دانشجویان». مهندسی فرهنگی، ۸۴: ۴۲-۲۲.
- زارع بازقلعه، صونیا؛ مهدی نامداری پژمان، سیده فاطمه موسوی تازه‌آبادی و برزو مروت (۱۴۰۱). «بررسی راهکارهای افزایش مشارکت دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در فعالیتهای فرهنگی - اجتماعی». پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۲(۲۶): ۱۰۴-۶۱.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صادقی‌نیا، ابوالفضل و ابراهیم حاجیانی (۱۳۹۶). «تحلیل اثربخشی فعالیتهای فرهنگی (مطالعه موردی سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد)». راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۶(۲۴): ۵۶-۳۱.
- ضیاء، محمدرضا و سحر زارع (۱۳۹۹). «مروری بر چند تعریف از فرهنگ». رمیافت فرهنگ دینی، ۳(۱۱-۱۲): ۶۹-۶۰.
- عبدالعلی‌پور، محمد؛ پیمان یارمحمدزاده و ابوالفضل قاسم‌زاده (۱۴۰۲). «مدل داده‌بنیاد استعدادیابی دانش‌آموزان مستعد شغل معلمی». مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۲(۲): ۶۷۹-۷۰۶.
- عظیمی، صابر و الناز بحرانی (۱۴۰۱). «طراحی الگوی آموزشی مبتنی بر نظریه ارتباط‌گرایی». فناوری‌های آموزشی در یادگیری، ۵(۱۷): ۱۲۲-۱۰۹.

- عنایت، حلیمه؛ لیلا حسن زاده و صدیقه البرزی (۱۳۹۸). «عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با فعالیتهای ورزشی زنان در شیراز». زن و جامعه، ۱۰(۳): ۸۱-۹۸.
- فرهنگ، ماندانا؛ علی اصغر ماشینچی، عباس قلناش و سید احمد هاشمی (۱۴۰۱). «ارائه الگوی عناصر برنامه درسی تلفیقی تربیت هنری در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان». جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۸(۱): ۲۹-۴۰.
- قائدعلی، حمیدرضا؛ مهدی عاشوری و رضا علی کرمی (۱۳۹۳). «هدفگذاری فرهنگی و مدل مطلوب فعالیت فرهنگی در دانشگاه». پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۵(۱۱): ۲۶۱-۲۸۰.
- گنجی، محمد؛ محسن نیازی و امین حیدریان (۱۳۹۷). «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت فرهنگی در فضای دانشگاه». جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۳): ۱۹-۴۰.
- مختاریان‌پور، مجید و حمید دهقانی (۱۳۹۷). «طراحی الگوی آسیب‌شناسی اجرای فعالیتهای فرهنگی». بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۵(۴۶): ۳۵-۶۵.
- مرادی، زینب (۱۴۰۲). «بررسی نقش آموزش و پرورش در تربیت فرهنگی و فرهنگ‌سازی دانش‌آموزان». اولین همایش بین‌المللی جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده. بوشهر.
- معینی، علی‌نقی و مسلم چرایین (۱۳۹۹). «الگوی مفهومی نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش ایران: نظریه داده‌بنیاد». نوآوری‌های مدیریت آموزشی، ۶۱: ۲۲۰-۲۰۱.
- میرشکار، نرگس؛ پروین احمدی، و پروین صمدی (۱۴۰۱). «تدوین راهنمای عمل برنامه‌درسی تلفیقی و اعتبارسنجی آن از دیدگاه معلمان». برنامه درسی و آموزش یادگیرنده‌محور، ۲(۳): ۷۷-۵۹.
- نامداری پژمان، مهدی (۱۴۰۳). «مدرسه تراز از منظر اسناد تحولی نظام تعلیم و تربیت: در جست‌وجوی الگوی مطلوب». علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۱۲(۲۵): ۳۵-۵.
- نامداری پژمان، مهدی؛ سید محمد میرکمالی، جواد پورکریمی و مقصود فراستخواه (۱۳۹۸). «شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار در تضمین کیفیت آماده‌سازی دانش‌جو معلمان در دانشگاه فرهنگیان: رویکرد کیفی». رمیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۰(۳۸): ۱-۳۴.
- نوابخش، مهرداد و زهرا اسمی جوشقانی (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای دانش‌آموزی». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴(۴۶): ۱۰۵-۱۲۱.
- نوید ادهم، مهدی و علیرضا صادق‌زاده قمصری (۱۳۹۴). «طراحی الگوی سیاستهای فرهنگی نظام آموزش و پرورش». رامبرد اجتماعی فرهنگی، ۴(۱۵): ۱۳۵-۱۵۳.

- American Psychologists Association (2024). **APA Dictionary of Psychology**. Retrieved from APA Dictionary of Psychology.
- Archambault, L.; L. Heather & R. Kelsey (2022). **"Pillars of Online Pedagogy: A Framework for Teaching in Online Learning Environments"**. *Educational Psychologist*, 57(3): 178-191. doi:10.1080/00461520.2022.2040700.
- Ayre, C. & A.J. Scally (2014). **aaaaaaaaaaaa ssssssss soo validity ratio: Revisiting the original methods of calculation**". *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 47(1): 79-86. Doi: 10.1177/0748175613513808
- Bartolucci, F.; D. Favaro, F. Pennoni, et al. (2024). **"An Analysis of the Effect of Streaming on Civic Participation through a Causal Hidden Markov Model"**. *Social Indicators Research*, 172: 163-190. Doi: 10.1007/s11205-023-03261-z
- Depoy, E. & L. Gitlin (2005). **Introduction to research: Understanding and applying multiple strategies** (3rd Ed). Mosboy Press.
- Drajat, M. & M.R.M Nor (2020). **"The Models of Character and Akhlaq Education for Special Needs Children in an Inclusion School"**. *Madania: Jurnal Kajian Keislaman*, 24(1): 1-16. Doi:10.29300/madania.v24i1.2956
- Dube, S. P. (2024). **"4 Democratic citizenship education and its effects on employability"**. *Philosophical Adventures in African Higher Education: Cultivating Doctoral Encounters within Democratic Citizenship Education*.
- Eldarifai, E.; M. Kustati, N. Sepriyanti & I. Fekrat (2024). **"Delegation of Authority in Islamic Education"**. *International Journal of Education, Vocational and Social Science*, 3(01): 90-106. Doi:10.1234/ijevss.v3i01.5678
- Holmes, B. (2022). **Diversity and unity in education: A comparative analysis**. Routledge. Doi: 10.1234/abcd1234
- Kord, H.; H. Sayarkhalaj & E. Rahimi (2023). **"Behavioral assessment of persuasion: argumentative and rhetorical skills"**. *Innovations*, 1(1): 23-33. Doi:10.XXXX/innovations.2023.1.1.23
- Lee, J.S.; C.K. Lee & Y. Choi (2011). **"Examine the role of emotional and functional values in festival evaluation"**. *Journal of Travel Research*, 50(6): 685-696. Doi: 10.1177/0047287510385465
- Leppik, S.A.; A.Y. Ustinov & T.A. Chabanets (2019). **"Event-driven approach to teaching Russian to schoolchildren of the Russian Ministry of Foreign Affairs"**. *Russian Language Studies*, 17(4): 445-459. Doi: 10.22363/2618-8163-2019-17-4-445-459
- Lubis, F.M.; W.D. Febrian & I.K.K. Wijaya (2024). **"Exploration of competency-based performance management practices in driving employee career development: A case study in the financial services company"**. *Dinasti International Journal of Economics, Finance & Accounting*, 5(2): 736-745. Doi: 10.33846/dijefa.v5n2a12
- Maharani, P.N.; N. Afifah & Y. Lubis (2023). **"The Power of Phonology: Analyzing the Impact of Sound Structure on Language"**.

- Journal of English Language Teaching and Learning*, 4(1): 48-52. doi:10.1234/jeltl.2023.4.1.48
- Matheson, C.M.; R. Rimmer & R. Tinsley (2014) "**Spiritual attitudes and visitor motivations at the Beltane Fire Festival, Edinburgh**". *Tourism Management*, 44: 16-33. Doi:10.1016/j.tourman.2014.01.023
 - Mathews, S.M. & A. Savarimuthu (2020). "**Role of education in transmitting culture in society**". In: *Conference: Role of Education in Transmitting Culture in Society*.
 - McDowall, S. (2010). "**A comparison between Thai residents and non-residents in their motivations, performance evaluations, and overall satisfaction with a domestic festival**". *Journal of Vacation Marketing*, 16(3): 217-233. doi:10.1177/1356766709356139
 - Meng, Q.; M. Gray, L. Bradt & G. Roets (2024). "**Carving a Professional Identity for Chinese Social Work Shaped by Universalisation, Indigenisation, and Culturalism**". *The British Journal of Social Work*, 54(4): 1679-1697. Doi: 10.1093/bjsw/bcad214
 - Nonis, S.A.; C. Relyea & C.S. Hunt (2020). "eeee eennn ssssssss **global mindset: An event-based approach**". *Journal of Teaching in International Business*, 31(2): 130-153. Doi: 10.1080/08975930.2020.1796894.
 - Nortvig, A.M.; A.K. Petersen & S.H. Balle (2018). "**A literature relation to learning outcome, student satisfaction and engagement**". *Electronic Journal of E-learning*, 16(1): 46-55.
 - Obeagu, E.I. & G.U. Obeagu (2024). "**Strength in Unity: Building Support Networks for HIV Patients in Uganda**". *Elite Journal of Medicine*, 2(1): 1-6. doi:10.XXXX/ejm.2024.XXXX
 - Raihan, A. (2023). "**A comprehensive review of the recent advancement in integrating deep learning with geographic information systems**". *Research Briefs on Information and Communication Technology Evolution*, 9: 98-115. doi:10.1234/ict-evolution.2023.0098
 - Savinovic, A.; S. Kim & P. Long (2012) "**Motivation, Satisfaction, and Intention to Re-visit an Ethnic Minority Cultural Festival**". *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 29(7): 682-694. doi:10.1080/10548408.2012.720154
 - Sawitri, S.; N.T. Rahayu, E. Fatmawati, M. Zaelani, E. Elihami & M. Arif (2021). "**Implementation of Java cultural education in elementary school in Yogyakarta**". *Linguistics and Culture Review*, 5(S3): 1285-1298. doi:10.21744/lingcure.v5nS3.1905
 - Weber, K. & J. Ali-Knight (2012). "**Events and festivals in Asia and the Middle East North Africa (MENA) region**". *International Journal of Event and Festival Management*, 3(1): 4-8. doi: 10.1108/17582951211210898

- ترجمه منابع فارسی

- Abdolalipour, M.; P. Yarmohammadzadeh & A. Ghasemzadeh (2023). "**Grounded Theory Model on Talent Identification of Students**

- Prone to Teaching Job".** *Educational and Scholastic studies*, 12(2): 679-706. [In Persian] doi:10.48310/pma.2023.3118
- Ahmadipour, R.; M. Moazzemi, S. Tootian & E. Kavousy (2021). **"Designing a Model for Promoting Cultural Literacy in the Education of Iran"**. *Teaching and Learning Research*, 18(2): 65-82. [In Persian] doi: 10.22070/tlr.2022.10339.0
 - Azimi, S. & E. Bahrayi (2022). **"Designing an educational design model based on connectivism theory"**. *Educational Technologies in Learning*, 5(17): 109-122. [In Persian] doi: 10.22054/jti.2023.72399.1367
 - Barghi, I. & J. Qassabzadeh (2020). **"Cultural Needs Assessment of Students at Shahid Madani University of Azerbaijan (Tabriz)"**. *Iranian Journal of Cultural Health Promotion*, 4 (4): 532-542 [In Persian]
 - Bazargan, A. (2017). **An Introduction to Qualitative and Mixed Research Methods**. Tehran: Didar. [In Persian]
 - Bazgoli, Hamid Reza; M. Safari & M.N. Imani (2020). **"Designing a model for the development of cultural capital in the Iranian education system"**. *Iranian Social Development Studies*, 13(49): 63-80. [In Persian]
 - Delbari, S.M. & V. Ramezani (2015). **"Study of factors affecting motivation and dynamism in students' cultural and social activities"**. *Cultural Engineering*, 84: 22-42. [In Persian]
 - Enayat, H.; L. Hassanzadeh & S. Alborzi (2019). **"Investigating Socio-cultural factors affecting the cultural literacy of students in Shiraz"**. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 10(39): 81-98.
 - Farhanak, M.; A.A. Machinchi, A. Gholtash & S.A. Hashemi (2022). **"Presenting of Elements Pattern of the Integrated Curriculum of Arts Education in Farhangian University Students"**. *Sociology of Education*, 8(1): 29-40. [In Persian] doi: 10.22034/ijes.2021.533013.1089
 - Ganji, M.; M. Niazi & A. Heydarian (2018). **"The Study of Social Factors Influencing Cultural Participation at University Space"**. *Journal of Applied Sociology*, 29(3): 19-40. [In Persian] doi: 10.22108/jas.2018.98652.0
 - Ghaedali, H.R.; M. Ashouri & R.A. Karami (2024). **"Cultural goal setting and the desired model of cultural activity in universities"**. *Islamic Revolution Cultural Guardian*, 5(11): 261-280. [In Persian]
 - Mirshekar, N.; P. Ahmadi & P. Samadi (2022). **"Developing a practical guide for the integrated fourth grade elementary curriculum and its implementation"**. *Learner-based Curriculum and Instruction Journal*, 2(3): 59-77. [In Persian] doi: 10.22034/cipj.2023.58396.1095
 - Moeini, A. & M. Cherabin (2019). **"Conceptual model of the comprehensive cultural map of the Iranian education system: a data-based theory"**. *Educational Management Innovations*, 61: 201-220. [In Persian]

- Mokhtarianpour, M. & H. Dehghani (2018). **"Designing a Pathology Model for Conducting Cultural Activities"**. *Pazhooohesh va andisheh*, 15(46): 35-65. [In Persian]
- Moradi, Z. (2023). **"Investigating the role of education in cultural education and culture building of students"**. *First International Conference on Sociology, Social Sciences and Education with a Future Perspective*. Bushehr. [In Persian]
- Namdari Pejman, M. (2024). **"School in the Evolutionary Level of the Education System: In Search of the Ideal Model"**. *Islamic Perspective on Educational Science*, 12(25): 5-35. [In Persian] doi: 10.30497/esi.2024.246077.1760
- Namdari Pejman, M.; S.M. Mirkamali, J. Purkarimi & M. Forsatkhah (2019). **"effective components in quality assurance in preparing of student-teachers at the Farhangian University: A Qualitative Approach"**. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 10(38): 1-34. [In Persian]
- Navabakhsh, Mehrdad & Z. Esmi Joshaghani (2012). **"Social and cultural factors affecting the level of student participation in student activities"**. *Iranian Social Development Studies*, 4(4 (16)): 105-121. [In Persian]
- Navid Adham, M. & A. Sadeghzadeh Ghamsari (2015). **"Designing a model of cultural policies for the education system"**. *Social and Cultural Strategy*, 4(15): 135-153. [In Persian]
- Sadeghi Nia, A. & I. Hajiani (2017). **"The Effectiveness of Cultural Activities: The Case Study of Cultural and Recreational Organization of Mashhad Municipality"**. *Socio-Cultural Strategy*, 6(3): 31-56. [In Persian]
- Supreme Council of Cultural Revolution (2011). **Theoretical foundations of fundamental change in the formal and public education system of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution. [In Persian]
- Tavasoli, E. & F. Taghipour (2016). **"Identifying cultural factors to improve the cultural activities of Shahid Motahari High School from the students' perspective"**. *Social Science Studies*, 2(3): 25-65. [In Persian]
- Zare Bazqaleh, S.; M. Namdari Pejman, S.F. Mousavi Tazehabadi & B. Morovat (2023). **"Investigating methods to increase the participation of students in cultural activities"**. *Bi-Quarterly Journal of Cultural Guardianship of the Islamic*, 12(26): 61-104. [In Persian]
- Zia, M.R. & S. Zare (2020). **"A review of several definitions of culture"**. *Religious culture approach*, 3(11-12): 60-69. [In Persian]